

قرآن ، جمود فکری را که محکمترین سد شناخت طبیعت

بود درهم شکست

عواملی که باعث نهضت فرهنگی مسلمانان گردید

• کتابنامه اسلام در ایران ۲

• داود الهاشمی

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

این کتاب آسمانی ، این سد محکم را شکست و جلوعقل و فکرمردم را باز کرد و افراد بشر را برای پی بردن به اسرار رموز حیرت انگیز جهان آفرینش دعوت نمود و به انسان توصیه کرد که در اسرار و رموز شگفت انگیز جهان خلقت، تفکر و تدبیر نماید و به تکمیل عقل و فکر خود بپردازد تا به این وسیله به عظمت جهان آفرینش پی ببرد تا خدای جهان آفرین را نیکو بشناسد .

آری اعتقاد به توحید قوی ترین جلوه خود را در اسلام داشته است بهترین راه آن تدبیر و تفکر در

قرآن مجید در زمانی نازل شد که اسرار حیرت انگیز طبیعت به تمام معنی برای بشر ناشناخته بود و گویا آن روز بشر برای خود حتمی قائل نبود تا در اسرار و شگفتیهای جهان آفرینش تدبیر و تفکر کند و دانشمندان آن روز هم خیال می کردند که شناخت طبیعت همان است که در قرنهای پیش بوسیله ی افرادی همچون : سقراط ، افلاطون و ارسطو ، صورت گرفته و دیگر کسی نمی تواند اسراری از عالم طبیعت را کشف کند و این جمود فکری محکمترین سد شناخت طبیعت بود .

آیه قرآن ، اشاره به علوم طبیعی و مطالعه در راز آفرینش جهان است (۳)

در این باره احادیث و روایت فراوانی از پیامبر اکرم و ائمه اطهار درباره بیان آثار و خواص موجودات طبیعی عالم و توضیح حقایق جهان وارد شده است اگر همه آنها نقل شود سخن به درازا می کشد این نوشته گنجایش آن را ندارد.

خلاصه، این اندازه که اسلام به اندیشیدن و بهره جستن از خرد و پی بردن به اسرار جهان هستی مردم را تشویق می کند این خود طلیعه پیشرفت های مهم فرهنگ و تمدن اسلامی است.

اسلام با جهل و نادانی بشدت مبارزه

می کند :

بدبختی يك جامعه وقتی است که افراد آن در لغزشگاه جهل و نادانی سرنگون گشته از علم و دانش بی خبر باشند. از آنجائی که اسلام خواهان خیر و صلاح و سعادت بشر است با جهل و نادانی که سرچشمه تمام بدبختیهاست شدیداً به مبارزه پرداخته است و هدف اسلام این است که ریشه این مرض خطرناک از جامعه انسانی کنده شود پیامبر اکرم فرمود : « لا فراعاشد عن الجهل » هیچ فقری بدتر از جهل نیست ، یعنی فقر ، تنها فقر مادی نیست ، فقر علمی شدیدترین و خطرناکترین فقر است در هردین و نظامات اجتماعی جمله ای می درخشد و بیش از همه جلب توجه می کند و آن جمله را شعار و نشانه آن تشکیلات میدانند و گاهی این شعار بقدری درخشانده است که می گویند : این جمله

اسرار و رموز آثار خداوندی است و این نوع تفکر از عبادت های بزرگ اسلامی شمرده شده است .

در قرآن مجید این کلمات بیشتر جلب توجه می کند: نظر کنید ، تفکر نمائید ، تعقل کنید، چرا نظر نمی کنید ؟ ، چرا تعقل نمی کنید ؟ ، چرا فکر نمی کنید ، و امثال این تعبیرات در قرآن بطور فراوان دیده می شود و در زبان عرب «نظر» نگاه علمی است و به نگاه معمولی عربها نظر نمی گویند «فلینظر الانسان مخلق» (۱)

نظر کنید از چه خلق شده اید ، نظر کنید خلقت چگونه شروع شده و چگونه پایان می گیرد و چگونه آخرت و نشاء دیگری برپا خواهد شد نظر کنید چگونه شاخه های درخت گل کرده و از گل میوه بر می آید نظر کنید به آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست (۲)

آیات فراوانی که توصیه می کند در اسرار و رموز آفرینش تعقل و تفکر نمائید، با این که قرآن کتاب علوم طبیعی نیست اما اگر آیات قرآن را دسته بندی کنیم و برای علوم مختلف : فقه، تاریخ، باستان شناسی ، طبیعی و غیره فصلی باز کنیم و شماره آیات هر کدام را جداگانه منظور بداریم، مسلماً شماره آیات مربوطه علوم طبیعی اکثریت ناطعی داشته و با شماره آیات رشته های دیگر، قابل مقایسه نیست .

غرض کمتر سوره ای است که اشاراتی جالب و پرمعنی به اسرار آفرینش که طبعاً بر مسائل علوم طبیعی است ، نداشته باشد تا جائی که «طنطاوی» دانشمند معروف اسلامی، ادعای کند بالغ بر ۷۵

(۱) سوره الطارق .

(۲) به واژه « نظر » در معجم المنهرس مراجعه شود .

(۳) تفسیر الجواهر ج ۱ صفحه ۵

چکیده و خلاصه آن برنامه است در اسلام آنچه در رأس همه کارها قرار دارد .

بیکار بانادانی و بی سوادی است .

اسلام با جهل و نادانی مبارزه دامنه داری را شروع کرده است اول از رهگذر توحید و خدا شناسی پیش می آید و بدین وسیله می خواهد به انسان مبدء و منشاء جهان هستی را بشناساند تا انسان به نظم حیرت انگیز جهان خلقت پی ببرد و بداند هیچ چیز در عالم طبیعت بی اساس و بی پایه نبوده و یک نظم محکم در سراسر عالم هستی حکم فرماست و نیز افکار بشر را متوجه به ضررهای شرک و بت پرستی می نماید .

بدین ترتیب ، عقل ، گوش و چشم بشر را باز می کند تا جهان آفرینش را نیکو بنگرد و از این جهت این چند عضو از اعضای بدن انسان ، در تعلیمات اسلام بیش از هر عضو دیگر مورد توجه قرار گرفته است ، گوش برای شنیدن و چشم برای مشاهده مستقیم و عقل برای درک مطالب و تشخیص واقع و موهوم .

و پست ترین جنبندگان در نزد خدا ، مردم کور لال هستند که تعقل نمی نمایند « (۱) و در نگاه اول به نظر می آید که این ترتیب اسلام با منشاء جهل و نادانی بیکار نموده و اساس تعالیم خود را بر عقل و دانش استوار نموده است تا هر کس برای قبول این آئین خود را ناگزیر بداند علم و دانش بیاموزد .

از طرف دیگر بانادانیها و تقلیدهای کورکورانه و خرافات و موهومات با دلیل و برهان مبارزه می کند . قرآن پیروان خود را به تبعیت از دلیل و

برهان امر فرموده و در چند مورد به مسلمانان دستور میدهد از مخالفان خود درخواست دلیل کنند « قل هاتوا برهانکم » و حتی دلیل و برهان را اساس ایمان قرار داده و مسلمانان را از تبعیت ظن و گمان بر حذر داشته است « قل هل عندکم من علم فتخرجوه لنا ان تتبعون الا الظن وان انتم الا تخربون » . (۲)

(ای پیامبر بگو آیا نزد شما چنانکه علمی هست آن را برای ما بیرون آورید در صورتیکه اینان جز ظن و گمان از چیزی تبعیت نمی کند و شما نیستید مگر اینکه تمام کارها پتان روی پندار است)

و در آیه دیگر در مذمت کفار میفرماید: بیشتر کافران پیروی نمی کنند مگر از ظن و گمان و این مسلم است که گمان انسان را بهیچوجه از حق کفایت نمی کند» (۳)

و باز در آیه دیگر از کفار مذمت می کند به جهت اینکه آنان در گفتار خود جدل می کنند و سخنانی بدون دلیل و برهان بر زبان می آورند :

« آنانکه در نشانه های خدا بدون داشتن حجت و دلیل مجادله می کنند (مردمان متکبری هستند) در نهادشان خود را بزرگ می شمارند در حالیکه اینان در بزرگی به آن مرحله هیچ نخواهند رسید» (۴) .

بدین ترتیب قرآن کریم ، مسلمانان را از تقلید کورکورانه در اصل دین بر حذر داشته و لذا کسانی را که کورکورانه از خرافات و عقاید باطل گذشتگان پیروی می نمودند مذمت کرده میفرماید :

(۱) سوره انفال آیه ۲۳ .

(۲) سوره زمر آیه ۲۰ .

(۳) سوره بونس آیه ۳۶ .

(۴) غافر آیه ۵۵ .

«وإذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله ، قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه آباءنا» (۱)

یعنی چون گفته شود برایشان آنچه راکه از طرف خداوند فرورفتاده شده ، پیروی کنید ، می گویند : بلکه ما تبعیت می کنیم آنچه راکه از نیاکان ما رسیده است آیا اگر چه پدرانشان چیزی را نفهمیده و هدایت هم نیافته باشند ؟!

ولذا بزرگترین افتخار پیامبر اکرم (ص) این بود که با خرافات و اوهام که بزرگترین سد پیشرفت است ، بشدت مبارزه نمود و عقل و خرد بشر را از غبار و رنگ خرافات شستشوداد و خود بارها می فرمود : «من برای این آمده ام که قدرت فکری بشر را تقویت کنم و با هر گونه خرافات سرسختانه مبارزه نمایم» (۲)

و باز میفرماید : «کل مأثرة فی الجاهلیه تحت قدمی» کلیه مراسم و وسائل افتخارات موهوم دوران جاهلیت نابود گردید و در زیر پای من قرار گرفت

غرض ، چون خرافات و اوهام عرب جاهلی بزرگترین سدد در برابر پیشرفت آئین اسلام بود. از این جهت پیامبر اسلام (ص) باتمام قدرت می کوشید که آثار جاهلیت راکه همان افسانه ها و اوهام بود از میان بردارد تا مسلمانان با فکر سالم در پرتو عقل و اندیشه هر گونه قید و بند آهنگین را در هم شکنند و بنده حقیقت باشند نه بنده خرافات و افسانه ها .

آری همین آزادی اندیشه سبب شد که مسلمانان با سرعت زیادی شروع به اکتشافات تازه ای نمودند .

اسلام و پیکار با بی سوادی

(۱) سوره بقره ۱۸۰

(۲) سیره ابن هشام ج ۳ صفحه ۴۱۲ .

اسلام در راه مبارزه ، و پیکار با بی سوادی نهایت آنچه متصور است کوشش کرده است تا جامعه اسلامی با سواد و با فرهنگ بار آید در نخستین ندای آسمانی که خداوند پیغمبر خود را مورد وحی قرار داد چنین فرمود :

«اقرأ باسم ربك الذي خلق ، خلق الانسان من علق ، اقرأ وربك الاكرم الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم» بخوان بنام پروردگارت که بیافرید انسان را از خون بسته بیافرید ، بخوان و پروردگارت ارجمندتر است که (نوشتن) باقلم را آموخت و به انسان آنچه نمی دانست بیاموخت .

و این چند آیه که نخستین آیات وحی است خداوند پیامبر خود را به خواندن امر می کند ، خواندن نردبان ترقی و راه علم و معرفت است و سپس راهنمایی می کند که این خواندن باید بانام خدا توأم باشد بعد از آن خلقت و آفرینش را ذکر می کند و همدیف خلقت ، باز خواندن و آموزش نوشتن باقلم را می شمارد و در حقیقت هدف از آفرینش و هستی را خواندن و نوشتن میداند .

آری تعالیم اسلام درد و کلمه «خدا» و «علم» خلاصه می شود ، از نظر اسلام علم بشرط آنکه خداوند فراموش نشود و پیوسته باید خدا همایک باشد ، درمان درد هراجماع است ، خواندن و نوشتن در نظر اسلام بقدری ارزش دارد که خداوند برای شناساندن عظمت و موقیعت آن ، برای تبریته رسول گرامی از تهمت ناروای دیوانگی به آن قسم یاد کرده است «ن والقلم وما یسطرون وما انت بنعمة ربك بمجنون» .

در موقیعت قلم از نظر اسلام این بس ، که قرآن

و خردمندی حق آزادی خود داشتند ، قرار بر این بود که هر یک از آنان اگر بده نفر از کودکان مسلمان خواندن و نوشتن بیاموزند ، بدون پرداخت خونیها آزاد کردند (۱)

گذشته از کودکان ، بزرگسالان نیز خواهان آن شدند که خواندن و نوشتن بیاموزند .

آری این نخستین بار در جهان بود که آموزشگاه بزرگسالان (کلاس اکابر) در جهان دایر گشت و این افتخار بزرگ در تاریخ جهان بنام مسلمانان ثبت گردید اماممتر از همه آن بود که برای اولین بار و آخرین بار در تاریخ بشر ، فرمان پیامبر آموزش دانش بجای غنیمت جنگی پذیرفته گشت نه پیش از آن و نه پس از آن ، کسی در دنیا ندیده و نشنیده بود که يك فرماند کدر جنگ پیروز شده است آموزش کودکان را بجای فدیه و غنیمت جنگ بپذیرد .

پیامبر اکرم آنچنان با بی سوادی پیکار می نمود که تنها زنی که در دوران جاهلیت خواندن و نوشتن یاد گرفته بود ، آن زن بدستور پیامبر به زنان آنحضرت خواندن و نوشتن می آموخت چنانکه « بلاذری » فقط از يك زن قرشی نام می برد که در دوره جاهلیت مقارن ظهور اسلام خواندن و نوشتن میدانست و او « شفاء » دختر عبدالله عدوی بود ، بلاذری می گوید : « این زن همان است که حنصه همسر پیغمبر را نوشتن آموخت (۲)

کریم ، کتاب جاویدان برای بزرگداشت و عظمت قلم سوره ای بنام « قلم » نام گذاری کرده است و همچنین « خواندن » در نظر اسلام بقدری با ارزش است که کتاب آسمانی اسلام بهمان نام ، نامیده شده است (کلمه قرآن از « قرء » (یعنی او خواند) مشتق شده و معنی صحیح آن خواندن است یا به تعبیر دیگر : آنچه باید خوانده شود)

علاوه بر اینکه قرآن و پیامبر اسلام در مقام تشویق مسلمانان به علم و دانش از هیچ چیزی فرو گذاری نکرده است و ضمناً مسلمانان برای نشر آئین نو خاسته اسلام محتاج بودند هر چه زودتر خواندن و نوشتن را فرا گیرند و همینکه آیات تازه بر پیامبر اکرم نازل میشد و از دهان پیغمبر خارج می گردید کاتب وحی آن را می نوشت آنگاه میان پیروان او انتشار می یافت .

عده ای که در آن زمان خواندن و نوشتن میدانستند از روی نسخه اصلی رونوشت بر میداشتند و چون بسیاری از مسلمانان خواندن و نوشتن نمیدانستند ناچار بودند آیات را حفظ کنند و یک نفر که می توانست آیات را از روی نسخه اصلی بخواند آیات را آنقدر تکرار می کرد که همه آیات را حفظ می کردند و این امر برای آنها سخت دشوار بود و لذا نیاز شدید ، مسلمانان را به آموختن (خواندن و نوشتن) و امید داشت

پیامبر اکرم نیز مسلمانان را به خواندن و نوشتن تشویق می نمود و هر چه می توانست وسائل تعلیم و تربیت را برای مسلمانان فراهم می ساخت تا همه بتوانند خواندن و نوشتن را بیاموزند .

طبق روایاتی که در دست است نشان میدهد که در جنگ بدر که چندتن از اسیران که خواندن و نوشتن میدانستند و بولی برای پرداخت گروگان

(۱) طبقات ابن سعد ج ۲ صفحه ۲۲ .

(۲) فتوح البلدان ، بلاذری صفحه ۴۵۷